



سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران به مناسبت آغاز سال نو و عید مبعث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم - 3 / فروردین / 1399

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد (صلي الله عليه و آله) و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقبّة الله في الارضين. اللهم صل على علي بن موسى الرضا وليك عدد ما في علمك صلاة دائمة بدوام ملكك و سلطانك. اللهم سلم على وليك علي بن موسى الرضا عدد ما في علمك سلاماً دائماً بدوام ملكك و سلطانك و جبروتك.

ما هر سال مراسم اول سال را در زیر سایه ی حريم حضرت علي بن موسى الرضا (سلام الله عليه) برگزار ميكرديم در خدمت مردم عزيز مشهد و زوار عزيزي كه از سراسر کشور در مشهد حضور داشتند ؛ نوروزمان با اين ديدار مزين ميشد، امسال محروميم.

گر چه دوريم به ياد تو سخن ميگويم
بعد منزل نبود در سفر روحاني (۱)

به نظرم بهتر اين است كه هر کدام هر جا هستيم، از راه دور صلوات مخصوصه را عرض كنيم: اللهم صل على علي بن موسى الرضا المرتضى الإمام التقي الثقي و حجبتك على من فوق الارض و من تحت الثرى الصديق الشهيد صلاة كثيرة نامية زاكية متواصلة متواترة مترادفة كفضل ما صليت على احد من اوليائك. (۲)

عید سعید مبعث را تبریک عرض ميکنم ؛ امروز جزو بزرگترین اعياد اسلامی ما است. همچنين مجدداً عید نوروز و حلول بهار را به همه ی ملت عزيزمان تبریک عرض ميکنم.

مبعث روز بسيار با عظمتی است ؛ اهميت مبعث را بايد بفهميم، بدانيم. مبعث پيغمبر اسلام حادثه و واقعه ای است كه خداوند متعال از پيغمبران ديگر نسبت به اين واقعه ميثاق گرفته است، تعهد گرفته است. و اذ اخذ الله ميثاق النبيين لما اتيئكم من كتب و حكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به! و لتنصرنه ؛ (۳) [طبق] اين آيه ي شريفه، خدای متعال از پيامبران بزرگ طول تاريخ تعهد گرفته است كه به پيغمبر اسلام كه مثل امروزی مبعوث ميشود، هم ايمان بياورند، هم او را ياری كنند. خب ايمان كه معلوم است. ياری به معنای اين است كه او را به كسان خودشان، به امت خودشان، به پيروان خودشان معرفی كنند و از آنها بخواهند كه به او بگروند و ايمان بياورند ؛ حداقل نصرت پيغمبران اين است ؛ خداوند اين را از اينها پيمان گرفته. لذا شما ملاحظه ميكنيد در يك آيه ای از قرآن [ميفرمايد]: الذي يجدونه مكتوباً عندهم في التوراة و الانجيل ؛ (۴) يعنى نام و نشان و خصوصيات پيغمبر ما، در تورات و انجيل تحريف نشده وجود داشته است. يا در يك آيه ي ديگر، خداوند از قول حضرت عيسى ميفرمايد: و اذ قال عيسى ابن مريم يبنى اسرائيل ائني رسول الله اليكم مصدقاً لما بين يدي من التوراة و مبشراً برسول يأتي من بعدي اسمه أحمد ؛ (۵) حضرت عيسى اسم اين بزرگوار را هم بيان ميکنند. اين بنا بر اين يك حادثه ی اين چنينی



است که در نهج البلاغه هم به همین اشاره شده، که حضرت میفرمایند: إِلَىٰ أَنْ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِإِنْجَازِ عِدَّتِهِ وَتَمَامِ بُبُوتِهِ مَأْخُودًا عَلَى التَّبَيِّنِ مِيثَاقَهُ ؛ (۶) یعنی از پیغمبران خدای متعال میثاق گرفته است، تعهد گرفته است که با او این گونه رفتار نکنند.

خب این بعثت محتوای عظیمی داشت. من راجع به این محتوای بعثت مختصری میگویم و این مسئله را متصل میکنم، مرتبط میکنم با وضع خودمان و امروز خودمان که برای ما از لحاظ عملی و کاربردی هم دارای تأثیر است، صرف اعتقاد نیست.

بعثت و وحی الهی، حقایق را برای مردم روشن کرد؛ برای بشریت حقایق را روشن کرد. این حقایق به نحوی است که اگر آحاد بشر و جوامع گوناگون بشری به این حقایق ایمان بیاورند و عملاً ملتزم بشوند، حیات طیبه به اینها خواهد رسید. حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی زندگی شیرین و پرفایده و مطلوب، حیات پاکیزه؛ پاکیزه بودنش به این است که مطلوب باشد، شیرین باشد، انسان را در صراط کمال کمک کند به حرکت و برخوردار از همه‌ی زیبایی‌ها و نیکویی‌ها باشد، هم در دنیا و هم در آخرت. این حیات طیبه است. اگر دلها به این معارف، به این حقایق آشنا بشوند، به آن بگردند و بر لوازم آن پایبند باشند، حیات طیبه قطعاً در انتظار آنها است.

خب یک بخش این حقایق عبارتند از منظومه‌ی معرفتی اسلام، که منظومه‌ی معرفتی اسلام یعنی نظر اسلام درباره هستی، درباره‌ی انسان، درباره‌ی نقش انسان در عالم، درباره‌ی ذات اقدس پروردگار، درباره‌ی صفات و اسمای الهی که در دعای کمیل میخوانیم: مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، یا در دعای ماه رجب میخوانیم: بِهَمِّ مَلَأَتْ سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ، که درباره‌ی مسیر انسان در دنیا و پس از مرگ و امثال اینها حقایق بسیار مهمی هست و اینها سلسله‌ی معرفتی اسلام، منظومه‌ی معرفتی اسلام هستند؛ اینها را به بشریت تعلیم میدهد و انسانها را هشیار میکند و بیدار میکند.

یک بخش دیگر از این حقایق، منظومه‌ی ارزشی اسلام است، ارزشهایی که اسلام آنها را تثبیت کرده است، یعنی به عنوان ارزش آنها را شناخته است؛ که آحاد مردم و جوامع مردمی موظفند خودشان را به این ارزشها نزدیک کنند [و به سمت آنها] پیش ببرند؛ سعادتشان در این است. از مثل خلقیات فردی که انسان دارای صبر باشد، دارای حلم باشد، دارای گذشت باشد و امثال اینها که صفات فردی انسانها است، تا مفاهیم عمومی و زندگی‌ساز مثل آزادی، مثل عدالت اجتماعی، مثل کرامت انسانی، مثل سبک زندگی؛ اینها جزو آن سلسله‌ی ارزشهای اسلامی است که در اسلام بیان شده و تفهیم شده به ما. یک عده‌ای بخطا تصور میکنند که این مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی و مانند اینها از غرب به عالم اسلام آمده است، یا متفکرین اسلامی اینها را از غربی‌ها یاد گرفته‌اند؛ این کاملاً اشتباه است. غرب سه چهار قرن بیشتر نیست که با این مفاهیم آشنا شده؛ از بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده است؛ در حالی که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل از این، این مفاهیم را به طور روشن در قرآن بیان کرده است؛ با این تفاوت که غربی‌ها که اینها را مطرح کرده‌اند، هیچ وقت صادقانه به آن عمل نکرده‌اند - نه به آزادی عمل کردند، نه به عدالت اجتماعی عمل کردند - [آنها] گفتند و عمل نکردند؛ [این مفاهیم] در اسلام بود و در زمان پیغمبر عمل شد. این عبارت «أَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»، (۷) مال قرآن است دیگر؛ دستور پیغمبر این است که اجرای عدالت بکند؛ این همان عدالت اجتماعی و عدالت همه‌جانبه است؛ یا [میفرماید]: إِنَّا أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ؛ (۸) یعنی اصل بعثت همه‌ی انبیا و ارسال رسل و کتب برای این بوده است که قسط - یعنی همین عدل اجتماعی، عدل اقتصادی - در بین مردم برقرار باشد؛ بنابراین اینها مفاهیم قدیمی اسلامی است.



یا در مورد آزادی؛ این بیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه، هزار سال قبل از طرح مسئله‌ی آزادی در کشورهای غربی مثل فرانسه یا جاهای دیگر است که میفرماید: لا تگن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً؛ (۹) از این روشن‌تر دیگر چه میشود؟ یعنی انسانها حُرند، آزادند؛ آزادی شامل همه‌ی انواع آزادی میشود. یا آن جمله‌ی دیگری که معروف است: استعبدتم الناس و قد خلقهم الله احرارا؛ این خطاب به بعضی از فرمانداران آن دوره است که «استعبدتم الناس»؛ شماها میخواهید با مردم مثل برده رفتار بکنید در حالی که خداوند متعال آنها را آزاد آفریده؟ اینها معارف اسلامی است. از این قبیل، در معارف اسلامی زیاد است؛ در نهج البلاغه کلمات متعددی در این زمینه وجود دارد و در بقیه‌ی [منابع اسلامی]. بنابراین این سلسله‌ی ارزشها و سلسله‌ی معارف و منظومه‌ی معرفتی و منظومه‌ی ارزشی به این صورت است. پشت سر اینها احکام است؛ یعنی «باید» و «نباید»ها، «بکن» و «نکن»ها؛ این احکام اسلامی -چه فردی و چه اجتماعی- همه برخاسته‌ی از آن معارف است و منطبق بر آن ارزشها است؛ یعنی همه‌ی این تکالیفی که خدای متعال برای فرد مسلم قرار داده است، نشئت‌گرفته‌ی از همان مفاهیم اصلی و معرفتی است و منطبق با مفاهیم ارزشی است و کمک‌کننده‌ی به صعود در این راه است. خب، این مجموعه‌ای است که در بعثت در واقع به مردم هدیه شد.

حالا اگر چنانچه بخواهیم اینها تحقق پیدا بکند، اگر بخواهیم این معارف در فضای عقیدتی جامعه به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، بخواهیم این ارزشها در عمل مردم، در رفتار مردم خودش را نشان بدهد، بخواهیم این احکام که وسیله‌ی پیشرفت و حرکت است، تحقق پیدا کند، احتیاج به قدرت سیاسی دارد؛ اگر قدرت سیاسی نباشد، قلدرها زیر بار نمیروند، تنبلیها انجام نمیدهند، سیاهی‌لشکر قلدرها و مستکبرین و پول‌دارها به دنبال آنها حرکت میکنند، یعنی آن مقصود نبوتها حاصل نمیشود؛ لذا در قرآن میفرماید که «ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله». (۱۰) این مربوط به پیغمبر ما فقط نیست، مربوط به همه‌ی پیغمبران است؛ اینها باید بیایند در کشور مورد اطاعت قرار بگیرند، مردم از اینها اطاعت بکنند. لذا وقتی که از یثرب آمدند برای اینکه پیغمبر اکرم را دعوت کنند و اصرار کنند که ایشان به مدینه هجرت کنند، همان جا حضرت با اینها بیعت کرد.

بیعت یعنی اینکه شما تحت امر ما هستید، ما می‌آییم آنجا به این شرط؛ بعد هم که پیغمبر اکرم وارد شد به مدینه، اول کاری که کرد، تشکیل قدرت سیاسی و اجتماعی بود؛ یعنی تشکیل حکومت داد؛ این بنابراین یکی از لوازم کار نبوت است. البته پیغمبران دشمنان زیادی دارند؛ و کذلیک جعلنا لکل نبي عدواً شیطین الإنس و الجن، (۱۱) وقتی که حکومت تشکیل میدهند، دشمن خارجی هم به اینها اضافه میشود؛ با تشکیل حکومت، غیر از دشمنان داخلی، دشمن خارجی هم اضافه میشود؛ این معلوم است؛ برای خاطر اینکه دشمن خارجی اگر چنانچه عالم سیاست نباشد و قدرت سیاسی وجود نداشته باشد، خیلی اهمیّت نمیدهد؛ هر حرفی که کسی بزند، خیلی دنبالش نمی‌رود؛ وقتی به قدرت سیاسی رسید، آن وقت دشمن خارجی، آن کسی که مخالف با عدالت است، آن کسی که مخالف با آزادی است، آن کسی که مخالف با حقّ هر انسانی برای خوب زندگی کردن و مستقل زندگی کردن است، طبعاً مخالفت میکند.

خب، حرف امروز من این است: من میخواهم عرض بکنم این همان نسخه‌ای است که امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به این نسخه عمل کرد؛ عیناً نسخه‌ی بعثت پیغمبر است؛ معارف همان معارفی است که پیغمبر آنها را از جانب خدای متعال به مردم ابلاغ کردند؛ ارزشها همانها است؛ احکام هم همانها است؛ و حرکت به سمت



تحقق این احکام، احتیاج داشت به یک ایمان قوی، به یک همت بلند، به یک دل «متوکل علی الله»؛ همه‌ی اینها در امام جمع بود و ایشان اقدام کرد، خدای متعال هم کمک کرد و این حرکت انجام گرفت. البته امام میدانستند که ایمان اسلامی در اعماق جان و ارتکاز (۱۲) ملت ایران خیلی رسوخ دارد، مردم مؤمنی هستند؛ که حالا خود این، بحث جداگانه‌ای دارد و کاملاً اثبات شده است که مردم ایران، هم آن روز و هم امروز، علی‌رغم برخی از ظواهر، قدرت ایمانی‌شان و رسوخ ایمان در دل‌هایشان خیلی زیاد است؛ یکی از خصوصیات ملت ما بحمدالله این است.

امام این را میدانستند و لذا مسئله‌ی اسلام را، حکومت اسلامی را، نظام اسلامی را مطرح کردند و زمینه‌اش هم فراهم بود و امام این زمینه را هم شناخت؛ زمینه‌اش عبارت بود از ظلم گسترده و فساد بی‌پایان رژیم پهلوی؛ که هم وابسته بودند، هم فاسد بودند، هم ظالم بودند، هم معرفت حقیقی انسانی در اینها نبود، و این سرریز میشد به مردم، همه میدیدند وضع آن رژیم فاسد و ظالم را؛ این هم زمینه‌ی خوبی بود، از این زمینه امام بزرگوار استفاده کردند و معجزه‌ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست. حقیقتاً تحقق انقلاب اسلامی و تحقق جمهوری اسلامی مثل یک معجزه بود که اتفاق افتاد؛ این به برکت همین حرکت عظیم بود.

جامعه‌ی نخستین اسلامی - یعنی آن جامعه‌ای که پیغمبر در مدینه به وجود آورد از چند هزار نفر مردم مدینه؛ مردمی که در مدینه زندگی میکردند، شاید هفت، هشت، ده هزار نفر مثلاً از اوّلی که تشکیل شد بیشتر نبودند - به برکت ارشاد پیغمبر، به برکت احکام پیغمبر و معارفی که پیغمبر هدیه کرده بود، با وجود اینکه در این خلال بعد از پیغمبر یک اشکالات اساسی‌ای هم به وجود آمد اما در عین حال آن چنان این حرکت، حرکت ریشه‌دار و مستحکمی بود که روزبه‌روز به طرف قوت پیش رفت، روزبه‌روز قوی‌تر شد. به طوری که - آن طوری که این در تاریخ جزو مسلمات است - در قرن چهارم هجری، یعنی سیصد سال بعد از بعثت پیغمبر و پس از ظهور جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ی اسلامی از لحاظ سیاسی وسیع‌ترین جامعه در دنیا بود؛ از لحاظ نظامی قوی‌ترین ارتش دنیا را داشت؛ از لحاظ دانش و فرهنگ پیشرفته‌ترین سطح علمی و فرهنگی را داشت در همه‌ی دنیا؛ یعنی سه قرن بعد از بعثت، این جامعه‌ی اسلامی این جور حرکتی کرد که از لحاظ نظامی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ علمی و فرهنگی به این رتبه رسید. این تازه مربوط به زمانی است که خلفای ناباب و فاسدی مثل بنی‌امیه و بنی‌عبّاس سر کار بودند. اگر چنانچه به جای اینها ائمه‌ی هدایت سر کار میبودند یا کسان منصوب آنها سر کار میبودند، قطعاً پیشرفته‌ها ده‌ها برابر آن چیزی میشد که اتفاق افتاد. حرکت اسلام این است؛ طبیعت این حرکت، طبیعت پیشرفت کردن و قوی شدن است.

نسخه‌ی امروز هم همین جور است. ما امروز اگر چنانچه صادقانه حرکت بکنیم، عمل بکنیم، تنبلی نکنیم، کوتاه‌بینی به خرج ندهیم، ساده‌نگری نکنیم، میتوانیم ایران را به همان قلّه برسانیم. البته رساندن ایران به قلّه‌ی علمی و فرهنگی و صنعتی و نظامی و سیاسی و امثال اینها هدف نزدیک ما است؛ هدف دور، تمدن اسلامی است که آن مطلب دیگری است.

و نباید هم تعجب کنیم از دشمنی‌ها؛ خب ما دشمن زیاد داریم، تعجب نباید کرد. عرض کردم در قرآن خدای متعال میفرماید که «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»؛ (۱۳) هم دشمنان جتنی، هم دشمنان انسی وجود دارند و اینها به هم کمک هم میکنند؛ سیستم‌های اطلاعاتی خیلی از کشورها علیه ما با همدیگر همکاری میکنند؛ یوحی بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا. لذا بود که در اوّل اسلام در جنگ احزاب وقتی که همه‌ی نیروهای دشمن پیغمبر از قبایل عرب، از انواع و اقسام قبایلی که در مکه بودند، در



طائف بودند، در جاهای دیگر بودند، دُور هم جمع شدند، با همدیگر همدست شدند، یهودی‌ها را هم که در نزدیک مدینه بودند دیدند و با خودشان همراه کردند، خب این خیلی حادثه‌ی عجیبی بود برای مسلمانها [اما] مسلمانها تعجب نکردند. قرآن میفرماید: وَ لَمَّا رَعَا الْمُؤْمِنُونَ الْاِحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُوهُ وَ رَسُوهُ ؛ یعنی وقتی که دیدند دشمنان را که این جور علیه آنها حرکت کردند، گفتند همین وعده را خدای متعال داده بود که شما دشمنانی خواهید داشت و می‌آیند و به شما حمله میکنند، حالا آمده‌اند ؛ پس این حرکت دشمن موجب شد که اعتقاد ما بیشتر بشود، چون «صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُوهُ» ؛ این پیشگویی خدای متعال و پیغمبر خدا تحقق پیدا کرد ؛ وَ ما زَادَهُمْ اِلَّا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيْمًا. (۱۴)

امروز البته خبیث‌ترین دشمن ما و دشمن جمهوری اسلامی آمریکا است. البته ما دشمن کم نداریم اما آن که از همه خبیث‌تر و عنودتر است، عبارت است از آمریکا. مسئولان آمریکایی، هم دورغ‌گو هستند، پشت‌هم‌انداز هستند، وقیحند، طماعند، شارلاتانند - حرکت‌هایشان، حرف‌هایشان را شما بشنوید، [می‌بینید] شارلاتانی حرف می‌زنند ؛ یعنی انواع و اقسام خصوصیات زشت اخلاقی- و هم البته در کنارش ظالمند، سنگدلند، بشدت بی‌رحمند، تروریستند ؛ یعنی آنچه خوبان همه دارند، اینها به‌تنهایی همه را دارند! یعنی این جور دشمنی در مقابل ما امروز وجود دارد.

خداوند برای مقابله‌ی با دشمنی‌ها به پیغمبر دستورالعمل داد ؛ از اوّل بعثت، خدای متعال پیغمبر را امر به صبر کرد. در سوره‌ی مدثر که جزو همان سوره‌های اوّل بعثت است، میفرماید: وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِر ؛ (۱۵) صبر کن برای خدای خودت. در سوره‌ی مزمل که آن هم جزو همان سوره‌های اوّل قرآن است، میفرماید که «وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ». (۱۶) در جاهای دیگر قرآن هم مکرراً این معنا هست. در دو جا [میفرماید]: وَ اسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ ؛ (۱۷) استقامت کن ؛ هم در سوره‌ی هود هست، هم در سوره‌ی شوری هست. بنابراین، دستورالعمل وارد شده.

حالا صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظار نتایج و حوادث را کشیدن نیست ؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را و محاسبات دقیق خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن ؛ صبر یعنی پیگیری اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم ؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن ؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود - همچنان که در قرآن هست «اُمِرْهُمْ شُورٰی بَيْنَهُمْ» (۱۸) - قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد. بنده البته با قاطعیت عرض میکنم که ملت ایران ملت صبوری است ؛ نشان داده‌اند که صبر دارند. ما مسئولین البته گاهی بی‌صبری کرده‌ایم، ولی ملت نه ؛ ملت کاملاً صبور بوده‌اند ؛ این چهل سال برای ما نشان این معنا است به طور روشن. بعضی از روشنفکرانهای ما هم متأسفانه بی‌صبری از خودشان نشان دادند، بعضی از آنها بی‌صبری را به مرز همکاری و هم‌زبانی با دشمن هم رساندند ؛ البته بعضی‌ها این جور بودند. نقطه‌ی مقابلش هم جوانهای مؤمنی هستند که بحمدالله عده‌شان خیلی زیاد است و روزبه‌روز هم ان‌شاءالله زیادتر میشود ؛ در عرصه‌ی فرهنگ، در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی فناوری، در عرصه‌ی سیاست، در فهم بین‌المللی مسائل - یعنی مسائل بین‌المللی را درست درک کنند و فهم کنند - در مقابلش این جور جوانها هم هستند که عرض کردم بحمدالله روزبه‌روز زیاد میشوند. پس صبر کردن یعنی تسلیم نشدن، دچار ضعف نشدن، دچار تردید نشدن، با شجاعت و عقل جلوی دشمن را گرفتن و دشمن را مغلوب کردن، که آن وقت در قرآن میفرماید: اِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صٰیْرُونَ يَغْلِبُوْا مِائَتِيْنَ ؛ (۱۹) ده نفر شما با صد نفر و بیست نفر شما با دویست نفر از آنها میتوانید روبه‌رو بشوید و غلبه کنید ؛ این در یک شرایطی است ؛ در یک شرایطی ده برابر، در یک شرایطی دو برابر، میتوانید شما با آنها مواجه بشوید.



من در صحبت‌های اخیر چند بار تکرار کرده‌ام که کشور بایستی قوی بشود؛ (۲۰) قوی شدن کشور جزو هدف‌های ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن میفرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ (۲۱) هر چه میتوانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله‌ی اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید. فرض کنید امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوت است؛ اینکه بنده زیاد روی موالید تکیه میکنم، به خاطر این است. کشور ما امروز کشور جوانی است؛ اگر چنانچه موالید در این کشور به قدر لازم و به قدر کافی تولید نشوند - که الان به قدر کافی نیست - چند صباح دیگر، چند سال دیگر نسل جوان در کشور کمیاب خواهد شد. آن وقت کشوری که در آن جوان کم است، پیشرفتش [هم] کم است. یکی از ابزارهای قدرت حفظ اکثریت جوان در جامعه است. یا امروز قوت در فضای مجازی حیاتی است؛ امروز فضای مجازی حاکم بر زندگی انسانها است در همه‌ی دنیا؛ و یک عده‌ای همه‌ی کارهایشان را از طریق فضای مجازی پیش می‌برند؛ قوت در این [زمینه] حیاتی است. یا مثلاً قوت در زمینه‌ی بهداشت و درمان حیاتی است؛ که بحمدالله در این زمینه محققین مان و پزشکانمان و کسانی که در این راه خبره هستند کار زیادی انجام داده‌اند.

و «جهش تولید» هم که بنده امسال مطرح کردم، در واقع از ابزارهای قدرت است. تولید [باید] جهش پیدا بکند؛ نه فقط رونق تولید که سال گذشته گفتیم. رونق تولید یعنی در تولید یک حرکتی به وجود بیاید که این انجام گرفته است اما این کافی نیست. ما احتیاج به خیلی بیش از این داریم؛ جهش تولید. البته جهش تولید لوازمی دارد؛ فقط مسئله این نیست که صاحب سرمایه یا صاحب کارگاه همّت بکند برای تولید بیشتر؛ این احتیاج دارد به اینکه تمام دستگاه‌های ذی‌ربط کار خودشان را انجام بدهند؛ جلوی قاچاق گرفته بشود، جلوی واردات بی‌رویه گرفته بشود، به تولیدکننده مشوقهایی داده بشود، با کسانی که از کمکهای مالی دولتی سوء استفاده میکنند برخورد جدی قضائی بشود. امثال اینها کارهای زیادی است که اگر این کارها انجام بگیرد - که ان شاءالله امسال باید این کارها انجام بگیرد - جهش تولید تحقق پیدا خواهد کرد.

البته ما این روزها مواجه هستیم با عارضه‌ی یک بیماری وسیع همه‌گیر بین‌المللی؛ این ویروس تقریباً در همه‌ی کشورهای دنیا مشغول گرفتن تلفات و [در حال] پیشرفت است. حالا بعضی‌ها میگویند که چه اتفاقی در کشورشان می‌افتد، بعضی‌ها هم پنهان میکنند؛ انسان از بعضی اظهارات میفهمد که این اظهاراتی که میکنند خیلی مطابق با واقع نیست؛ این ویروس دارد کار میکند. این [بیماری] مصداق این آیه‌ی شریفه است: «وَلْتَبْلُوْكُمْ بَشِيْرًا مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْاَمْوَالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ»؛ هم با خودش خوف می‌آورد و یک عده‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله‌ی مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن بعدش خداوند میفرماید: «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِيْنَ»؛ (۲۲) اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست انجام دادن، کار عاقلانه انجام دادن؛ که البته افراد مسئولین محترم ذی‌ربط در این کار دستوراتی داده‌اند، و ان شاءالله این دستورات را بایستی عمل کرد؛ همه باید عمل کنند این دستورات را؛ این برای حفظ جان خودشان و حفظ جان [مردم] کشور و کنترل این بیماری خطرناک است؛ بنابراین همه باید عمل کنند.



از جمله‌ی موضوعات مربوط به کرونا که بد نیست من این را اینجا بگویم، این است که سران آمریکا چند بار تا حالا گفته‌اند که ما حاضریم از لحاظ درمان و دارو به شما کمک کنیم؛ چند بار تکرار کرده‌اند که فقط شما از ما بخواهید تا به شما از لحاظ دارو و درمان کمک کنیم. این جزو آن حرفهای بسیار عجیب است که به ما میگویند که از آنها درمان بخواهیم و دارو بخواهیم. اولاً خودتان دچار کمبودید؛ الان خبرهایی که از آمریکا میرسد، یعنی حرفهایی که خود آمریکایی‌ها میزنند، شهردار فلان شهر، رئیس بهداری فلان نقطه، رئیس بیمارستان فلان ایالت، خودشان دارند صریحاً میگویند که دچار کمبودهای وحشت‌آوری هستند؛ هم از لحاظ وسایل پیشگیری در بروز بیماری، از ابتلای به بیماری، هم در دارو و مانند اینها. اگر چیزی دارید و دستتان باز است صرف خودتان بکنید. ثانیاً شما آمریکایی‌ها متهمید به اینکه این ویروس را شما تولید کرده‌اید؛ من نمیدانم چقدر این اتهام حقیقی است، اما وقتی این اتهام وجود دارد کدام عاقلی به شما اعتماد میکند که شما بیایید برای او دارو بیاورید؛ ممکن است داروی شما یک وسیله‌ای باشد برای اینکه این بیماری را بیشتر گسترش بدهد. هیچ اعتباری ندارید؛ به شما اعتمادی نیست. ممکن است یک دارویی را شماها تجویز کنید، یا وارد کشور بکنید که این ویروس را ماندگار کند و مانع تمام شدنش بشود؛ یعنی اگر چنانچه این تهمت درست باشد و شما این ویروس را به وجود آورده باشید، این کارها از شماها بر می‌آید. یا اگر کسی را به عنوان درمان‌کننده و پزشک بخواهید بفرستید، ممکن است او بخواهد بیاید اینجا، اثر عملی سمی را که تولید کرده‌اند را از نزدیک ببیند؛ چون گفته میشود که با استفاده‌ی از آشنایی‌های ژنتیک ایرانی که از وسایل مختلفی به دست آورده‌اند، یک بخشی را بالخصوص برای ایران درست کرده‌اند؛ خب این ممکن است بخواهد بیاید ببیند که اثرش چگونه شد؛ اطلاعات خودشان را تکمیل کنند و دشمنی خودشان را بیشتر کنند؛ بنابراین این حرفی نیست که کسی از ملت ایران این را قبول کند.

آخرین عرض من به ملت عزیزمان این است: عزیزان من! تجربه‌ی چهل‌ساله به ما نشان میدهد که کشور ظرفیت مقابله‌ی با مسائل و چالشها را در هر سطحی دارا است؛ یعنی کشور ظرفیتهای فوق‌العاده‌ای دارد برای اینکه با همه‌ی مسائل و مشکلات و چالشهایی که پیش آمده است، یا ممکن است پیش بیاید مواجه بشود و بر آنها غلبه بکند. ظرفیت کشور خیلی زیاد است؛ مهم این است که این ظرفیت به وسیله‌ی مسئولین شناسایی بشود و در همه‌ی بخشها افراد مؤمن، جوانهای باانگیزه به کار گرفته بشوند؛ عناصر جوان و باانگیزه و مؤمن و متشرع؛ چون کسی که متشرع است، احتمال خیانت در او خیلی کمتر از کسی است که به دین باور ندارد. این آن چیزی است که ما را به هدفمان نزدیک میکند.

و من توصیه میکنم مجدداً که این دستوراتی را که مسئولین ستاد ملی مبارزه‌ی با کرونا پخش کرده‌اند و گفته‌اند و اعلام کرده‌اند، ان شاء الله همه عمل بکنند. حتی اجتماعات دینی را تعطیل کرده‌اند که خب این در طول تاریخ ما به این شکل بی‌سابقه است که همه جا حتی مثلاً حریمهای مطهر و نمازهای جمعه و جماعت تعطیل بشود؛ این بی‌سابقه است، ولی خب چاره‌ای نبوده است؛ این جور مصلحت دانسته‌اند و این جوری عمل کرده‌اند؛ اینها را رعایت بکنند تا ان شاء الله خدای متعال هر چه زودتر این بلا را از سر ملت ایران و همه‌ی ملت‌های مسلمان و همه‌ی بشریت کم و کوتاه کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته



(۱) حافظ. غزلیات

(۲) کامل الزیارات، ص ۳۰۹

(۳) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۸۱: «و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شما است تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاری‌اش کنید. ...»

(۴) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۵۷: «... که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل، نوشته می‌یابند. ...»

(۵) سوره‌ی صف، بخشی از آیه‌ی ۶: «و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: ای فرزندان اسرائیل! من فرستاده‌ی خدا به سوی شما هستم؛ تورات را که پیش از من بوده تصدیق میکنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او "احمد" است بشارتگرم. ...»

(۶) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱

(۷) سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵: «... مأمور شدم که میان شما عدالت کنم ...»

(۸) سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵: «براستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند ...»

(۹) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

(۱۰) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۶۴: «و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند ...»

(۱۱) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲: «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم ...»

(۱۲) رسوخ و ثبوت مفهومی در انسان

(۱۳) سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲: «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا میکنند ...»



۱۴) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۲۲؛ «و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود»

۱۵) سوره‌ی مدثر، آیه‌ی ۷

۱۶) سوره‌ی مزمل، بخشی از آیه‌ی ۱۰؛ «و بر آنچه میگویند شکیباً باش. ...»

۱۷) سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «... و همان گونه که مأموری ایستادگی کن. ...»

۱۸) همان، بخشی از آیه‌ی ۳۸؛ «... کارشان در میانشان مشورت است. ...»

۱۹) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۵؛ «... اگر از [میان] شما بیست تن شکیباً باشند، بر دویست تن چیره میشوند. ...»

۲۰) از جمله، بیانات در دیدار مردم استان آذربایجان شرقی (۱۳۹۸/۱۱/۲۹)

۲۱) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۶۰

۲۲) سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۵